

بررسی کیفیت زندگی دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشجویی دانشگاه رازی کرمانشاه و رابطه آن با عملکرد تحصیلی آنها

غلامرضا تاج بخش^۱

سجاد ریاحی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشگاه رازی کرمانشاه انجام شده است. روش آن پیمایشی بوده و تعداد ۲۰۵ نفر، حجم نمونه، با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده و ساده انتخاب شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که ۲/۴ درصد از پاسخ‌گویان به طور کلی کیفیت زندگی خود را خیلی نامناسب، ۸/۸ درصد نامناسب، ۲۹/۳ درصد نه خوب و نه بد، ۴۳/۹ درصد خوب، و ۱۴/۶ درصد وضعیت کیفیت زندگی‌شان را در مجموع خیلی خوب توصیف کردند. از سویی، ۲ درصد از پاسخ‌گویان از وضعیت سلامتی خود خیلی ناراضی و ۳/۹ درصد ناراضی بودند، ۲۳/۴ درصد به طور نسبی رضایت داشتند، ۴۶/۳ درصد راضی، و حدود یک‌چهارم از نسبت نمونه‌ای (۲۴/۴ درصد) نیز از وضعیت سلامتی‌شان کاملاً راضی بودند. در بین ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی، بیشترین میانگین نمونه‌ای، مربوط به بُعد سلامت جسمانی ($M=3/56$) و کمترین امتیاز مربوط به بُعد سلامت محیطی بود ($M=3/10$). بین سن، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، قومیت و عملکرد تحصیلی رابطه معنادار مشاهده شد ($p < 0/05$)؛ در حالی که بین جنسیت و دوره تحصیلی با عملکرد تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده نگردید. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی چندگانه نشان داد که متغیر سن و قومیت در مرحله اول و متغیر قومیت و روابط اجتماعی (حمایت‌های اجتماعی) در مرحله دوم توانستند به ترتیب ۱۴/۳ و ۸/۹ درصد از واریانس متغیر تحت مطالعه (عملکرد تحصیلی) را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: پیشرفت تحصیلی، عملکرد تحصیلی، کیفیت زندگی، حمایت اجتماعی، دانشجوی

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره) tajbakhsh_gr@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

تاریخ دریافت مقاله، ۱۳۹۳/۸/۴ تاریخ پذیرش مقاله، ۱۳۹۴/۵/۲۰

مقدمه و بیان مسئله

دانشجویان یکی از زیرگروه‌های سنی و طبقات اجتماعی مؤثر، مهم و آینده‌ساز هر جامعه را تشکیل می‌دهند و کارآمدی تلاش‌های مسئولان ذی‌ربط برای زمینه‌سازی تسهیل روند رشد شخصیت و ارتقای دانش و مهارت آنها در گرو شناخت عینی‌تر شرایط و نحوه زندگی آنان است که در ادبیات علمی رایج با نام مفهوم «کیفیت زندگی» از آن یاد می‌شود (بهمنی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۲). این امر برای دانشجویان غیربومی و شهرستانی و به‌ویژه دانشجویان مستقر در خوابگاه معنا و عمق و وسعت بیشتری می‌یابد؛ زیرا اولاً فرد در عنفوان جوانی به دور از خانواده و به‌تنهایی می‌خواهد زندگی اجتماعی بزرگ‌تری را تجربه کند؛ زندگی پرچالشی که چنانچه به‌خوبی و اثربخش و با کیفیت مناسب سپری شود، شکل‌گیری سرمایه انسانی و اجتماعی متخصص توأم با انگیزه‌های بالاتری را به ارمغان خواهد آورد.

در مؤسسات آموزشی مهم، نظیر دانشگاه‌ها، موفقیت یک دانشجو از طریق بررسی عملکرد تحصیلی یا چگونگی سازگاری وی با مقررات تحصیلی ارزیابی می‌شود. کشف دلایلی برای درک تفاوت‌های فردی در سطوح مختلف موفقیت تحصیلی، همواره ذهن جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را به خود مطعوف کرده است (رضایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۳۱). نتایج مطالعات پیشین حاکی از آن است که کیفیت زندگی دانشجویان عاملی حیاتی است که بر توانایی یادگیری آنان و نیز عملکرد تحصیلی آنان تأثیر می‌گذارد (برامنس و دیگران، ۱۹۹۱: ۳۴۰). مفهوم کیفیت زندگی بنابر تعریف سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۸) به‌منزله «ادراکات یک شخص از موقعیت‌اش در زندگی، بافت فرهنگی و نظام‌های ارزشی که شخص در آن زندگی می‌کند و در پیوند با اهداف، انتظارات، معیارها و علایقش قرار دارد» تعریف شده است. بر اساس این تعریف جامع، کیفیت زندگی ارتباط تنگاتنگی با

وضعیت جسمانی، روانی، اعتقادات شخصی، میزان خوداتکایی، پیشرفت، ارتباطات اجتماعی و محیط زیست دارد.

بررسی ابعاد مختلف زندگی در خوابگاه مانند عوامل فیزیکی، بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، روانی و امنیتی و محیطی، در مدل کیفیت زندگی، بیانگر تبیین مناسبی از وضع دانشجویان خواهد بود، به گونه‌ای که در آن رضایتمندی دانشجویان از سکونت در خوابگاه شاخص مهم کیفیت زندگی خواهد بود. به عبارت دیگر، رضایتمندی از سکونت در خوابگاه دانشجویی، تداعی‌کننده ادراک دانشجویان از موقعیت‌شان در زندگی خوابگاهی با توجه به نظام ارزش و محیطی و در ارتباط با اهداف، انتظارات، ارتباطات و نیازهای تحصیلی‌شان است.

در بررسی‌های متعددی، پژوهشگران به نقش کیفیت زندگی بر پیشرفت تحصیلی اشاره کرده‌اند و دریافته‌اند که عواملی مانند مشکلات بهداشتی، ناآشنایی با محیط دانشگاهی، دوری از خانواده و ... که از زیرمؤلفه‌های کیفیت زندگی محسوب می‌شوند تأثیر منفی معناداری بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دارند (یگانه و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۲۱-۲۲۳). در همین زمینه، هنینگ و دیگران دریافتند که ابعاد سلامت جسمی، سلامت روانی و روابط اجتماعی کیفیت زندگی، بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مؤثر است. در پژوهش دیگری یافته‌های دوبرارد و دیگران در میان دانشجویان دوره لیسانس غیرپزشکی، نشان داد که مؤلفه فیزیکی آزمون ۳۶ ماده‌ای زمینه‌یابی سلامت (SF-۳۶) با عملکرد تحصیلی رابطه دارد، اما در تحلیل متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، مؤلفه روانی این آزمون معنادار ظاهر شد (رضایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۳۲).

با در نظر گرفتن پژوهش‌های انجام شده بررسی عوامل تعیین‌کننده عملکرد تحصیلی، در این میان داده‌های اندکی در مورد کیفیت زندگی و ابعاد آن وجود دارد، و حتی بررسی هم‌زمان هر یک از این ابعاد بر عملکرد تحصیلی دانشجویان ساکن در خوابگاه کمتر

صورت گرفته است و در خصوص کیفیت زندگی بیشتر به توصیف ابعاد و شاخص‌های مفهوم کیفیت زندگی و همچنین مقایسه میزان آن بر حسب الگوی گروه‌های فرعی پرداخته‌اند. لذا بررسی رابطه بین کیفیت زندگی دانشجویان ساکن در خوابگاه و از سویی تأثیر مهم‌ترین مؤلفه آن یعنی رضایت از زندگی دانشجویی بر روی عملکرد تحصیلی آنها می‌تواند کاری جدید باشد و در واقع، یکی از مهم‌ترین معیارهای کارایی نظام آموزشی در هر دانشگاه، پیشرفت تحصیلی و موفقیت در عملکرد تحصیلی فراگیران است؛ به طوری که کشف و مطالعه عوامل تأثیرگذار بر آن، به پیشرفت نظام آموزشی می‌انجامد. از سویی، محیط خوابگاهی و کیفیت آن شاخص مهمی در انتخاب و جذب دانشجویان شهرستانی و غیربومی، و دانشجویان فارغ‌التحصیل بهترین مُبلِّغ و تأثیرگذار در تصمیم‌گیری‌های دانشجویان آینده در گزینش دانشگاه مطلوب خود است. از این رو، عناصر کیفیت زندگی خوابگاهی در امتیازدهی این شاخص از سوی دانشجویان بسیار تعیین‌کننده خواهد بود. و با توجه به رقابتی‌تر شدن دانشگاهها در جذب دانشجویان، این امر مزید علت می‌گردد.

علاوه بر این، با توجه به اینکه ارائه الگوهای پیش‌بینی عملکرد تحصیلی، می‌تواند گام محکمی در ایجاد و طرح ریزی دوره‌های آموزشی مؤثر در دستیابی به موفقیت تحصیلی تلقی گردد، در پژوهش حاضر کوشش می‌شود به نقش پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد مختلف کیفیت زندگی به همراه متغیرهای زمینه‌ای در ارتباط با عملکرد تحصیلی دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشگاه رازی کرمانشاه پرداخته شود.

سؤالات پژوهش

۱. آیا بین کیفیت زندگی (و ابعاد آن) با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد؟
۲. کدام یک از عوامل سهم بیشتری در تبیین و پیش‌بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان دارد؟

مرور مطالعات تجربی

نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد کیفیت زندگی نقش مهمی در عملکرد تحصیلی دانشجویان دارد. کیانی و دیگران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای کیفیت زندگی دانشجویان گروه پزشکی و غیرپزشکی ساکن خوابگاه در شهر زاهدان» به این نتیجه دست یافتند که بین کیفیت زندگی دانشجویان و رشته تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/001$). اما با سایر متغیرها مثل سن، جنسیت، قومیت و... رابطه معنی‌دار نیست. مکنونی و زمانی (۱۳۹۰) به بررسی کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال ۱۳۸۹ پرداختند و دریافتند که در بین ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی، بیشترین امتیاز، مربوط به بعد سلامت جسمانی و کمترین امتیاز، مربوط به بعد سلامت محیط بوده است. در بعد سلامت محیط، دانشجویان دختر امتیاز بیشتری کسب کردند. در ابعاد دیگر تفاوت معناداری در بین دو جنس دیده نشد. سلامت اجتماعی در بین دانشجویان متأهل بیشتر از دانشجویان مجرد بود. در سایر ابعاد، تفاوتی بین دانشجویان مجرد و متأهل وجود نداشت. همچنین، سلامت محیط در دانشجویان خوابگاهی کمتر از سایرین بود.

مسعودی و محمدی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی اثر محل سکونت و جنسیت بر ادراکات و عملکرد تحصیلی دانشجویان مهندسی و علوم پایه دانشگاه شیراز پرداختند. یافته‌ها حاکی از اثر معنادار زندگی خوابگاهی بر سازگاری و عملکرد دانشجویان به واسطه جنسیت بود. در این مطالعه، زندگی خوابگاهی بیشترین اثر مثبت را برای دانشجویان دختر نشان داد. به‌ویژه دانشجویان دختری که در خوابگاه زندگی می‌کردند تعهد حرفه‌ای بالاتر و عملکرد تحصیلی بهتری را در مقایسه با دانشجویان دختر و پسر غیرخوابگاهی از خود نشان دادند. نکته جالب توجه این بود که صرف‌نظر از این آثار مثبت، دختران دانشجویی که در خوابگاه زندگی می‌کردند به نسبت دیگر دانشجویان ادراکات منفی‌تری نسبت به

محیط دانشکده خود داشتند. بر اساس این پژوهش، محل سکونت تأثیر معناداری بر تعهد حرفه‌ای، عملکرد تحصیلی یا ادراک از محیط دانشکده در دانشجویان مرد نشان نمی‌دهد. همچنین، محل سکونت تأثیر معناداری بر احساس خوداثربخشی دانشجویان دختر نداشت، در حالی که دانشجویان پسر خوابگاهی خود اثربخشی بالاتری را نسبت به دانشجویان پسر غیرخوابگاهی نشان دادند. کاربردهای یافته‌های این پژوهش برای توسعه تئوری رشد دانشجو و آموزش عالی و همچنین محدودیت‌های آن مورد بحث قرار گرفت.

حجازی (۱۳۸۳) به بررسی نقش عوامل اقتصادی-اجتماعی در موفقیت تحصیلی و عملکرد شغلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران پرداخت. نتایج حاصل از رگرسیون نشان داد که بین تحصیلات مادر با t محاسبه شده $۲/۲۵$ با موفقیت تحصیلی (معدل دیپلم) و تحصیلات پدر با t محاسبه شده ۳۵۲ با موفقیت تحصیلی (معدل لیسانس) رابطه معنی‌داری وجود دارد. رابطه خاستگاه سکونتی (منشأ روستایی داشتن) و شغل کشاورزی پدران با موفقیت تحصیلی و عملکرد شغلی تأیید نشد. ضمناً هیچ یک از سازه‌های تبار اجتماعی با عملکرد شغلی رابطه معنی‌داری نشان نداد. این پژوهش همچنین نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین محل تولد دانشجویان (روستا، شهر، مرکز استان و تهران) از نظر عملکرد شغلی و موفقیت تحصیلی وجود ندارد.

یگانه و همکاران (۱۳۹۱) نیز در بررسی ارتباط بین هوش هیجانی، مدیریت زمان و کیفیت زندگی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که همبستگی مثبت و معناداری بین کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد. از طرفی نتایج پژوهشی که توسط رضایی و همکاران (۱۳۹۱) در رابطه با الگوی پیش‌بینی عملکرد تحصیلی بر اساس ابعاد مختلف کیفیت زندگی، استفاده از اینترنت و نگرش به اعتیاد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان صورت گرفت، مؤید این است که ابعاد مختلف کیفیت زندگی شامل عملکرد جسمی، ایفای نقش جسمی، درد بدنی، سلامت عمومی،

سلامت جسمی از عوامل تعیین کننده معناداری در پیش بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان هستند.

جمالی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «کاربرد سازه‌های اساسی تئوری شناخت اجتماعی در پیشگویی پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۹۲-۱۳۹۱» به این نتیجه دست یافتند که خودکارآمدی، استرس تحصیلی و دانشکده، پیشگویی کننده مستقیم پیشرفت تحصیلی بودند و حمایت اجتماعی، استرس تحصیلی و محل اخذ دیپلم اثر غیرمستقیمی (از طریق خودکارآمدی) بر پیشرفت تحصیلی داشتند. خودکارآمدی تحصیلی، استرس تحصیلی و دانشکده در دانشجویان دختر و خودکارآمدی تحصیلی و دانشکده در دانشجویان پسر پیشگویی کننده پیشرفت تحصیلی بودند. بنابراین، با توجه به تأثیر خودکارآمدی و استرس در پیشرفت تحصیلی، می‌توان با طراحی مداخلات مناسب از استراتژی‌هایی جهت افزایش خودکارآمدی و مدیریت استرس تحصیلی در دانشجویان (به‌ویژه پزشکی) استفاده کرد.

مبانی و چهارچوب نظری پژوهش

بنابر پژوهش‌های پیشین، پیشرفت تحصیلی دانشجویان تحت تأثیر عوامل رفتاری، روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و محیطی قرار دارد. از این رو، با توجه به تعدد عوامل تأثیرگذار در پیشرفت تحصیلی، لازم است از تئوری‌ها و الگوها در این زمینه استفاده شود؛ چراکه تئوری‌های آموزشی می‌توانند عوامل اصلی مؤثر بر رفتار را شناسایی و روابط بین این عوامل و شرایطی را که این روابط در آن رخ می‌دهند معین کنند. از جمله مهمترین تئوری‌های تغییر رفتاری در زمینه یادگیری که هم عوامل فردی و هم عوامل محیطی [مثل محیط زندگی خوابگاهی] را در کنترل رفتار مؤثر می‌داند، تئوری

شناخت اجتماعی^۱ است که توسط بندورا^۲ بنا شد (جمالی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۹). تئوری شناخت اجتماعی، عملکرد انسان را نتیجه مجموعه سه‌گانه پویا و دارای تعامل متقابل عوامل روان‌شناختی (شخصیتی)، محیط فیزیکی-اجتماعی و رفتار می‌داند. بر طبق تئوری شناخت اجتماعی، دو مؤلفه روان‌شناختی مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان شامل دو چیز است: ۱. باور دانشجو به توانایی در موفقیت در یک تکلیف تحصیلی که به آن انتظارات خودکارآمدی یا خودکارآمدی^۳ می‌گویند و ۲. باور دانشجو در رابطه با اینکه تکلیف تحصیلی ارزش پیگیری را دارد که به آن انتظار نتیجه^۴ می‌گویند (تورس و دیگران،^۵ ۲۰۰۱).

خودکارآمدی تحصیلی به طور خاص به معنی اطمینان در انجام وظایف تحصیلی مانند خواندن کتاب‌ها، پاسخ به سوالات در کلاس و آمادگی جهت آزمون است. بندورا خودکارآمدی را یک عامل شناختی-انگیزشی می‌داند که نقش مؤثری در ایجاد تفاوت‌های فردی و جنسیتی در گستره کارکرد تحصیلی دارد. سطوح بالای خودکارآمدی تحصیلی منجر به میانگین نمره‌های بالاتر، پایداری برای تکمیل تکالیف، سازگاری تحصیلی بهتر و مقابله با استرس‌های تحصیلی می‌شود. همچنین از نظر بندورا، خودکارآمدی بر انتظار نتیجه اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر، نتایجی که افراد پیش‌بینی می‌کنند، به قضاوت‌هایشان از توانایی انجام یک رفتار در یک موقعیت خاص بستگی دارد. دانشجویانی که باور دارند تکلیف جالب، مهم و باارزش است بیشتر در فعالیت‌های

1. Social cognitive theory
2. Bandura
3. Self-efficacy
4. Outcome expectancy
5. Torres JB et al

فراشناختی درگیر می‌شوند و از راهبردهای شناختی و نظارت برای تلاش، استفاده بیشتری می‌کنند و از پیشرفت تحصیلی بالاتری نیز برخوردار هستند.

علاوه بر عوامل روان‌شناختی، عوامل محیطی مانند حمایت اجتماعی و استرس نیز بر رفتار تأثیر می‌گذارند. حمایت‌ها و روابط اجتماعی [به عنوان جزئی از مفهوم کیفیت زندگی] با فراهم کردن منابع مهم اطمینان، مواجهه دانشجویان را با فعالیت‌های دشوار آسان‌تر می‌کند؛ به طوری که دانشجویان دارای حمایت خانوادگی بالا، با استادان و سایر دانشجویان ارتباط بهتری برقرار می‌کنند و باور به این توانایی، اهداف تحصیلی را ارتقا می‌بخشد و موجب موفقیت در تحصیل و کار می‌شود (جمالی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۶).

بر اساس نظریه خودکفایتی ادراک‌شده و نظریه مقایسه با فرودست (مقایسه خود با افرادی که در یک یا چند زمینه آنها را پایین‌تر از خود احساس می‌کنیم)، مطالعه‌ای انجام شده است. مطالعه مذکور بر این فرض استوار بود که خودکفایتی ادراک‌شده و مقایسه با فرودست به تنهایی و با یکدیگر به احساس مثبت دانشجویان دانشکده نسبت به مهارت‌ها و عملکرد تحصیلی‌شان کمک می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده این فرضیه را ثابت کرده نشان دادند که هر دوی این مفاهیم به ایجاد احساسات مثبت در دانشجویان کمک می‌کنند. این احساسات همچنین روی رتبه تحصیلی دانشجویان نیز اثر مثبت داشت، اما بر نحوه احساسات دانشجویان در مورد مهارت‌های شخصی خودشان مؤثر نبود (بهمنی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۲).

همچنین با توجه به تئوری‌های مربوط به مشکلات و آسیب‌های اجتماعی که ذکر هر یک به گونه‌ای در تشریح مسئله مورد نظر پژوهش قادر به پاسخ‌گویی است، می‌توان به نظریه‌های ذیل اشاره کرد.

جدول ۱: تئوری‌های مربوط به مشکلات و آسیب‌های اجتماعی

مقایسه اجتماعی ^۱ مهم‌ترین شرط پیدایش احساس ناراضی‌تی از وضع موجود و احساس نیاز در انسان‌هاست که در این صورت افراد خود را با افراد مشابه یا کمی بالاتر از طبقه خود مقایسه می‌کنند.
هوارد بکر ^۲ ریشه تمام کجروی‌ها را در محیط اجتماعی می‌داند. از سویی مرتون اهمیت فشار اجتماعی (محیط خانواده یا محیط اتفاقی که ارزش‌های فکری جوانان را تعیین می‌کند) را بیان می‌کند.
در تئوری انطباق فرد با محیط [از جمله محیط زندگی خوابگاهی] که یکی از دیدگاه‌های سازگاری اجتماعی ^۳ است، هر اندازه انتظارات افراد با انتظارات محیط (محیط زندگی خوابگاهی) یکسان باشد، انطباق بین فرد و محیط بیشتر بوده و فشار محیطی نیز روی افراد کم خواهد بود و بر عکس (زائر و قائدمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۰۱).
توجه به نظریه سرمایه اجتماعی به طور کلی و بعد روابط اجتماعی آن که خود بخشی از مفهوم کیفیت زندگی را دربرمی‌گیرد نیز در تبیین عملکرد تحصیلی دانشجویان حائز اهمیت است. منظور از سرمایه اجتماعی، شبکه‌ای از روابط بین‌فردی و بین‌گروهی است که باعث تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی است. سرمایه اجتماعی در دانشجویان و دانش‌آموزان باعث بهبودی توانایی خواندن آنان می‌شود. نقش سرمایه اجتماعی (و در ذیل آن روابط اجتماعی) بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در خانه بیشتر از مدرسه است. مارتین معتقد است دانشجویانی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار هستند نسبت به دانشجویان با سرمایه اجتماعی پایین‌تر، علاقه بیشتری به ادامه تحصیل نشان می‌دهند (غفاری و خانی، ۱۳۹۲: ۲۶۳).

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین سن و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد.
۲. بین میانگین عملکرد تحصیلی زنان و مردان تفاوت وجود دارد.
۳. بین میانگین عملکرد تحصیلی افراد متأهل و مجرد تفاوت وجود دارد.
۴. بین میانگین عملکرد تحصیلی از لحاظ رشته تحصیلی تفاوت وجود دارد.
۵. بین میانگین عملکرد تحصیلی افراد از لحاظ دوره تحصیلی (شبهانه/روزانه) تفاوت وجود دارد.

1. Social comparison
2. Howard Becker
3. Social adaptation theory

۶. بین میانگین عملکرد تحصیلی از لحاظ قومیت تفاوت وجود دارد.
۷. بین کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان با کنترل متغیرهای دموگرافیکی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه، مقطعی و از نوع توصیفی و همبستگی است که با هدف تعیین رابطه میان کیفیت زندگی دانشجویان ساکن در خوابگاه و عملکرد تحصیلی آنان در دانشگاه رازی کرمانشاه انجام شد. زمان مطالعه بین ماه‌های فروردین تا خرداد سال ۱۳۹۳ بوده و جامعه پژوهش عبارت از کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه رازی کرمانشاه در زمان تحصیل است.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌بندی شده و ساده انجام شد؛ به نحوی که ابتدا تعداد کل دانشجویان مستقر در خوابگاه‌ها به تفکیک جنسیت دختر و پسر و گروه‌های تحصیلی علوم انسانی، فنی و مهندسی و پزشکی و ... مشخص شدند و سپس تعداد نمونه مورد نیاز به طور نسبی و سهم هر کدام از کل جامعه آماری مشخص و به صورت تصادفی سیستماتیک، وارد نمونه مورد مطالعه شدند.

روش اجرا

روش اجرا به این صورت بود که قبل از توزیع پرسشنامه در بین دانشجویان از تمامی نمونه آماری، رضایت‌نامه آگاهانه گرفته و به آنان اطمینان داده شد که اطلاعات دریافتی مورد نظر محرمانه است و به صورت نتیجه کلی گروه منتشر خواهد شد. سپس بر روی

۵۰ نفر از دانشجویان که جزء نمونه پژوهش نبودند مطالعه مقدماتی به عمل آمد و در نهایت با در نظر گرفتن خطای ۰/۰۵ و به دست آوردن واریانس جامعه آماری، با توجه به فرمول زیر، حجم نمونه ۲۰۵ نفر برآورد گردید. ابزار گردآوری داده‌ها عبارت بودند از: چک لیست، پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی فرم کوتاه ۲۶سؤالی سازمان بهداشت جهانی^۱ که توسط یوسفی و همکاران (۲۰۰۹) در ایران هنجاریابی شده است و نیز پرسشنامه محقق‌ساخته عملکرد تحصیلی. چک لیست و پرسشنامه تنظیم‌شده از سه بخش تشکیل می‌شد: بخش اول شامل مشخصات دموگرافیک، و بخش دوم شامل سؤالات مربوط به سنجش شاخص کیفیت زندگی و مؤلفه‌های آن (بعد جسمانی، بعد روان‌شناختی، بعد روابط اجتماعی، و بعد سلامت محیطی) بود. تمامی این گویه‌ها بر روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت، مورد ارزیابی قرار گرفتند. حداقل مجموع نمره‌ها در این مقیاس ۲۶ و حداکثر نمره برابر با ۱۳۰ بود. بخش سوم نیز مربوط به سنجش متغیر وابسته یعنی عملکرد تحصیلی می‌شد. برای اندازه‌گیری این متغیر، برای سنجش عملکرد تحصیلی دانشجو از یک متغیر مرکب از آخرین معدل درسی دانشجو، ترم و رشته تحصیلی استفاده شد. وزن هر یک از این آیتم‌ها در مجموع نمره نهایی عملکرد تحصیلی به صورت مساوی (یکسان) در نظر گرفته شد.

تعریف مفاهیم و نحوه سنجش آنها

عملکرد تحصیلی: عملکرد تحصیلی عبارت است از نتایج حاصل از تحصیل دانشجو که نشان‌دهنده میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی وی است (زارع و شفیع، ۱۳۹۰: ۵۴).

در پژوهش حاضر، برای سنجش عملکرد تحصیلی دانشجو از یک متغیر مرکب از آخرین معدل درسی دانشجو، ترم و رشته تحصیلی استفاده شد. وزن هر یک از این آیتم‌ها در مجموع نمره نهایی عملکرد تحصیلی به صورت مساوی (یکسان) در نظر گرفته شد.

کیفیت زندگی: کیفیت زندگی عبارت است از ارزیابی و ادراک افراد از وضعیت زندگی خود، تحت تأثیر نظام فرهنگی و ارزشی موقعیتی که در آن زندگی می‌کنند. در واقع اهداف، انتظارات معیارها و خواسته‌های افراد به میزان وسیعی بر وضعیت جسمانی، روانی، میزان استقلال، روابط اجتماعی و انتقادات و انگیزه‌های آنها تأثیرگذار است (مکنوی و زمانی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر برای سنجش کیفیت زندگی از پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی فرم کوتاه ۲۶ سؤالی سازمان بهداشت جهانی بهره برده شد.

روایی و اعتبار

روایی پرسشنامه به وسیله اعتبار محتوا و توسط ده تن از استادان رشته علوم اجتماعی که صاحب آثار علمی و پژوهشی در حوزه مطالعات اجتماعی بودند و پایایی آن نیز از روش انسجام درونی ابزار با ضریب آلفای کرونباخ $\alpha=0/78$ تأیید شد. به منظور تعیین پایایی درونی و اعتبار سازه مقیاس کیفیت زندگی در پژوهش حاضر، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) استفاده شد. مقدار KMO ، برابر با $0/836$ و نشان‌دهنده متناسب بودن حجم نمونه برای اجرای تحلیل مؤلفه‌های اصلی بود. مقدار آزمون بارتلت نیز برابر با $1287/471$ و در سطح $0/001$ معنی‌دار بود؛ که نشان می‌دهد عامل‌ها به خوبی تفکیک شده‌اند. بر اساس این یافته‌ها، ماتریس همبستگی در جامعه صفر نیست؛ یعنی با اطمینان می‌توان گفت که همبستگی در جامعه وجود دارد. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات حاصل شده به کمک نرم‌افزار SPSS در دو سطح تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی، تجزیه و تحلیل شد. برای توصیف داده‌ها، به محاسبه فراوانی‌ها و درصدها پرداخته شد، و

برای بررسی ارتباط بین متغیرها در سطح استنباطی، از آزمون‌های آماری تفاوت میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل دونمونه‌ای (T-test)، آنالیز واریانس (ANOVA)، ضریب همبستگی پیرسون و در نهایت از روش رگرسیون سلسله‌مراتبی چندگانه به منظور تبیین سهم هر یک از متغیرهای پژوهش منتخب وارد شده در مدل استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بیشترین افراد نمونه در گروه مجردان قرار دارند. تقریباً از هر ده نفر نمونه مورد مطالعه، ۹ نفر مجرد و ۱ نفر متأهل بوده‌اند. گروه سنی ۱۸ تا ۲۲ ساله با ۸۹/۷٪ بیشترین نمونه را به خود اختصاص داده است. همچنین، گروه سنی ۲۸ تا ۳۱ ساله کمترین نسبت نمونه‌ای بوده است. میانگین سنی در بین افراد مجرد برابر با ۲۰/۵۵، در گروه سنی متأهلان برابر با ۲۱/۷۳ و در مجموع برابر با ۲۰/۶۳ است؛ به این معنا که افراد تا عدد میانگین سنی (مثلاً ۲۰/۶۳) در یک وضعیت قرار داشتند و بعد از آن در وضعیت دیگری قرار می‌گیرند. از لحاظ جنسیت، زنان با ۶۱٪ بیشترین و مردان با ۳۸/۵٪ کمترین نسبت نمونه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. از لحاظ رشته تحصیلی، حدود یک سوم (۳۲/۲٪) از نسبت نمونه‌ای را دانشجویان فنی-مهندسی، کمی بیش از یک چهارم از نسبت نمونه (۲۷/۸٪) را دانشجویان علوم پایه به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین نسبت نمونه‌ای نیز به دانشجویان علوم انسانی اختصاص دارد. ۱ نفر از پاسخ‌گویان نیز رشته تحصیلی خود را ذکر نکرده - است. از لحاظ دوره تحصیلی، دانشجویان دوره روزانه با ۹۸ درصد بیشترین نسبت نمونه‌ای را شامل می‌شوند و تنها ۲ درصد از نسبت نمونه‌ای به دانشجویان دوره شبانه اختصاص دارد.

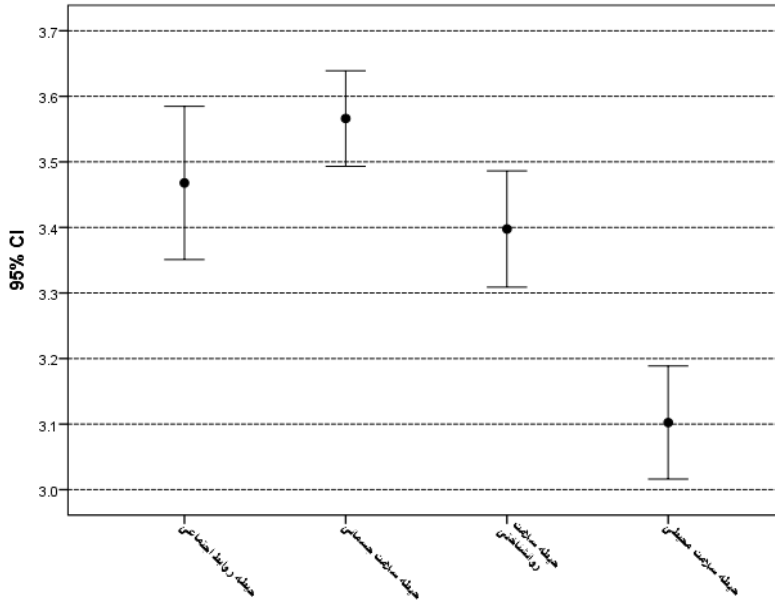
از لحاظ ترم تحصیلی، بیشتر از نیمی از پاسخ‌گویان (۵۸٪) در ترم دو تحصیلی قرار دارند، حدود یک سوم (۳۱/۷٪) در ترم سه تحصیلی به سر می‌برند، و کمترین نسبت

نمونه‌ای نیز با ۰/۵ درصد به ترتیب به افراد ترم یک، چهار، شش، و هشت تحصیلی اختصاص دارد. از لحاظ آخرین معدل تحصیلی، آخرین معدل تحصیلی نزدیک به یک‌چهارم (۰/۲۳/۴) از نسبت نمونه‌ای تا کنون، به ترتیب بین ۱۰ تا ۱۴/۶۴ و نیز ۱۴/۶۵ تا ۱۵/۸۴ بوده است. افرادی که تا کنون معدل تحصیلی‌شان بین ۱۷ تا ۱۹/۸۹ بوده است بیشترین نسبت نمونه‌ای (۰/۲۹/۳) را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، افراد با معدل بین ۱۵/۸۵ تا ۱۶/۹۹ کمترین نسبت نمونه‌ای (۰/۱۷/۶) را شامل می‌شدند. از لحاظ قومیت، کردها با ۶۴/۴٪ بیشترین نسبت نمونه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، بعد از آن لرها با ۱۵/۶٪ در مرتبه بعدی و قومیت عرب با ۰/۵ درصد، یعنی با کمترین نسبت نمونه‌ای، قرار دارند.

نتایج حاکی از آن است که ۲/۴ درصد از پاسخ‌گویان به طور کلی کیفیت زندگی خود را خیلی نامناسب توصیف می‌کنند، ۸/۸ درصد نامناسب، ۲۹/۳ درصد نه خوب و نه بد، ۴۳/۹ درصد خوب، و ۱۴/۶ درصد وضعیت کیفیت زندگی‌شان را در مجموع خیلی خوب توصیف می‌کنند. این یافته‌ها تلویحاً با یافته‌های پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۸۹) همسویی دارد. از سویی، ۲ درصد از پاسخ‌گویان از وضعیت سلامتی خود خیلی ناراضی‌اند، ۳/۹ درصد ناراضی، ۲۳/۴ درصد به طور نسبی رضایت دارند، ۴۶/۳ درصد راضی‌اند، و حدود یک چهارم از نسبت نمونه‌ای (۲۴/۴ درصد) نیز از وضعیت سلامتی‌شان کاملاً راضی هستند.

همچنین، در بین ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی، بیشترین میانگین نمونه‌ای، مربوط به بُعد سلامت جسمانی ($M=3/56$) و کمترین امتیاز مربوط به بُعد سلامت محیطی است ($M=3/10$) و با توجه به نمودار ستونی خطا ۱ اختلاف بین ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی

در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. این اختلاف همانطور که در شکل نمایان است بین ابعاد سلامت جسمانی، سلامت روان‌شناختی و سلامت محیطی وجود دارد.



شکل ۱: مقایسه برآورد میانگین حیطه‌های مختلف کیفیت زندگی در جامعه آماری

آزمون فرضیات

فرضیه اول: بین سن و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد.

جدول ۲: همبستگی پیرسون سن و عملکرد تحصیلی

عملکرد تحصیلی	متغیر
۰/۳۴۴**	سن
۰/۰۰۰	
۱۹۰	

** : معناداری در سطح ۰/۰۱

بین سن و عملکرد تحصیلی همبستگی مستقیم و معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ و سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد؛ یعنی با افزایش سن سطح عملکرد تحصیلی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که این یافته می‌تواند تحت تأثیر تجربه دانشجویان در ترم‌های تحصیلی بالاتر قرار گیرد و موجبات بهبود عملکرد تحصیلی آنان را فراهم آورد.

فرضیه دوم: بین میانگین عملکرد تحصیلی زنان و مردان تفاوت وجود دارد.

جدول ۳: مقایسه مردان و زنان از لحاظ عملکرد تحصیلی

متغیر	زنان	مردان	t	سطح معناداری
عملکرد تحصیلی	۲۰/۸۹±۲/۲۱	۲۰/۶۱±۲/۴۴	۰/۸۰۲	۰/۴۲۴

تفاوت معناداری میان زنان و مردان از لحاظ عملکرد تحصیلی وجود ندارد ($t=۰/۸۰۲$; $p>۰/۰۵$). به عبارتی، میانگین عملکرد تحصیلی در بین زنان و مردان یکسان است.

فرضیه سوم: بین میانگین عملکرد تحصیلی افراد متأهل و مجرد تفاوت وجود دارد.

جدول ۴: مقایسه متأهلان و مجردان از لحاظ عملکرد تحصیلی

متغیر	مجرد	متأهل	t	سطح معناداری
عملکرد تحصیلی	۲۰/۷۱±۲/۲۷	۲۲/۰۳±۲/۸۱	۱/۹۹۵	۰/۰۴۸

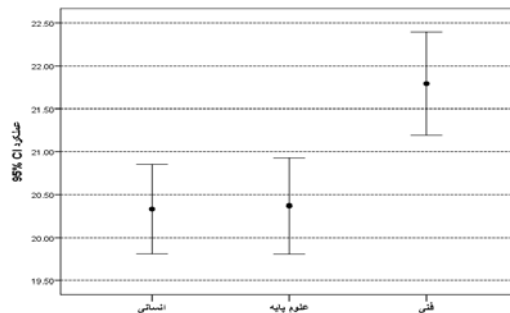
تفاوت معناداری میان افراد مجرد و متأهل از لحاظ عملکرد تحصیلی وجود دارد ($t=1/995$; $p<0/05$) میانگین نمره عملکرد تحصیلی متأهلان بالاتر از میانگین نمره عملکرد افراد مجرد است.

فرضیه چهارم: بین میانگین عملکرد تحصیلی از لحاظ رشته تحصیلی تفاوت وجود دارد.

جدول ۵: مقایسه رشته تحصیلی از لحاظ عملکرد تحصیلی دانشجویان

متغیر	رشته تحصیلی	میانگین	میانگین مربعات		اندازه F	Sig.	اتا	مجذور اتا
			بین-گروهی	درون-گروهی				
رشته	انسانی	۲۰/۳۳	۴۲/۸۸	۴/۹۹	۸/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۲۹	۰/۰۸۴
	پایه	۲۰/۳۷						
	مهندسی	۲۱/۷۹						
	مجموع	۲۰/۸۰						

تفاوت معناداری میان رشته‌های مختلف تحصیلی از لحاظ عملکرد تحصیلی وجود دارد ($f=8/58$; $p<0/05$). با توجه به نمودار خطای ستونی میانگین نمره عملکرد تحصیلی رشته فنی مهندسی بالاتر از سایر گروه‌های تحصیلی است.



شکل ۲: مقایسه برآورد رشته‌های تحصیلی از لحاظ عملکرد تحصیلی در میان دانشجویان

فرضیه پنجم: بین میانگین عملکرد تحصیلی افراد از لحاظ دوره تحصیلی (شبانه/روزانه) تفاوت وجود دارد.

جدول ۶: مقایسه دوره تحصیلی شبانه و روزانه از لحاظ عملکرد تحصیلی

متغیر	شبانه	روزانه	t	
			سطح معناداری	Mean±S.D
عملکرد تحصیلی	۲۳/۲۹±۳/۱۵	۲۰/۷۶±۲/۲۹	۱/۸۸۵	۰/۰۶۱

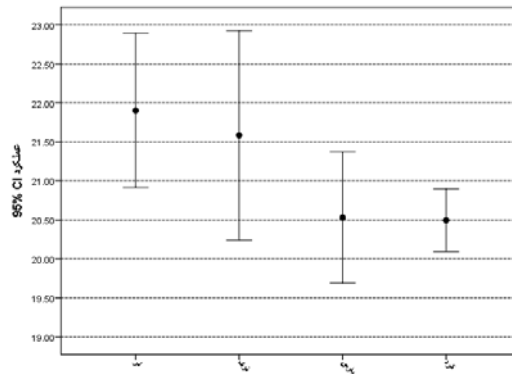
تفاوت معناداری بین دوره تحصیلی شبانه و یا روزانه از لحاظ عملکرد تحصیلی وجود ندارد ($p > 0/05$; $t = 1/885$). به عبارتی میانگین عملکرد تحصیلی در بین دوره‌های تحصیلی روزانه و شبانه یکسان است.

فرضیه ششم: بین میانگین عملکرد تحصیلی از لحاظ قومیت تفاوت وجود دارد.

جدول ۷: مقایسه قومیت‌های مختلف از لحاظ عملکرد تحصیلی

متغیر	گروه‌های قومیت	میانگین	میانگین مربعات		اندازه F	Sig.	اتا	مجذور اتا
			بین گروهی	درون گروهی				
قومیت	لر	۲۱/۹۰	۵۶/۲۷۹	۹۵۳/۵۷۴	۳/۶۳۹	۰/۰۱۴	۰/۲۳۶	۰/۰۵۶
	ترک	۲۱/۵۸						
	پارس	۲۰/۵۳						
	کرد	۲۰/۴۹						
	مجموع	۲۰/۷۸						

تفاوت معناداری میان گروه‌های قومی از لحاظ عملکرد تحصیلی وجود دارد ($f=3/639$; $p<0/05$). با توجه به نمودار خطای ستونی میانگین نمره عملکرد تحصیلی گروه قومی لر بالاتر از سایرین است.



شکل ۳: مقایسه برآورد گروه‌های قومی از لحاظ عملکرد تحصیلی در میان دانشجویان

فرضیه هفتم: بین کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان ضمن کنترل متغیرهای دموگرافیکی رابطه وجود دارد.

جدول ۸: همبستگی پیرسون تفکیکی^۱ بین کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان

سطح معناداری	متغیر وابسته	متغیرهای اصلی پژوهش	متغیرهای کنترل
	عملکرد تحصیلی		
**	۰/۲۰۳	کیفیت زندگی (کل)	سن، جنسیت، وضعیت تأهل، دوره تحصیلی، رشته تحصیلی، قومیت
ns	۰/۱۴۱	حیطه سلامت جسمانی	
**	۰/۲۳۹	حیطه سلامت روانشناختی	
**	۰/۲۸۸	حیطه روابط اجتماعی	
ns	۰/۰۷۷	حیطه سلامت محیطی	

** : معناداری در سطح ۰/۰۱

ns = غیر معنادار

نتایج جدول حاکی از آن است که بعد از کنترل متغیرهای دموگرافیک از رابطه متغیر مستقل و متغیر وابسته، رابطه همبستگی مثبتی بین کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان مشاهده گردید. این رابطه در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ و فاصله اطمینان ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنادار است و از این رو، ضریب همبستگی مشاهده شده قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. بنابراین، می توان با فاصله اطمینان ۹۵ درصد در جامعه آماری نیز بین کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی رابطه همبستگی مثبتی مشاهده کرد؛ به طوری که افزایش سطح کیفیت زندگی دانشجویان در خوابگاه، افزایش سطح عملکرد تحصیلی و بهبود آن را به دنبال خواهد داشت. همچنین بین متغیر سن و حیطه ها (مؤلفه های سلامت روان شناختی و روابط اجتماعی نیز رابطه همبستگی مثبت و معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ مشاهده گردید. اما بین سن و دو مؤلفه دیگر (مؤلفه سلامت جسمانی و مؤلفه سلامت محیطی) رابطه معنادار به لحاظ آماری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و فاصله اطمینان ۹۵ درصد مشاهده نگردید.

آزمون چندمتغیره

به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای دموگرافیکی و مؤلفه های کیفیت زندگی، در تبیین واریانس متغیر ملاک عملکرد تحصیلی، از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه سلسله مراتبی، در دو مرحله انجام شد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد (جدول ۴-۲۶) که متغیرهای دسته اول (دموگرافیکی) که در مرحله اول وارد مدل شدند، با مقدار $(F_{(7,180)} = 5/448, P < 0/001, R^2 Adj = 0/143)$ توانسته اند ۱۴/۳ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین کنند. از میان این متغیرها، متغیر سن با مقدار $(P < 0/001)$ ، سهم معناداری در تبیین واریانس عملکرد تحصیلی داشت. در مرحله دوم، مؤلفه های کیفیت زندگی وارد مدل شد.

جدول ۹: رگرسیون سلسه مراتبی چندگانه متغیر عملکرد تحصیلی

عملکرد تحصیلی		متغیرهای تحقیق	
گام دوم	گام اول		
متغیرهای دموگرافیکی (کنترل)			
۰/۳۳۸***	۰/۳۱۲***	سن	
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	مرد*	جنسیت
۰/۰۴۵	۰/۰۶۵	زن	
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	متاهل*	وضعیت تأهل
۰/۰۱۰	-۰/۰۲۰	مجرد	
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	شبهانه*	دوره تحصیلی
-۰/۱۳	-۰/۰۵۹	روزانه	
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	پارس*	قومیت
۰/۲۵۶**	۰/۱۹۸*	لر	
۰/۰۷۲	۰/۰۷۶	ترک	
۰/۰۲۵	-۰/۰۴۰	کرد	
متغیرهای اصلی پژوهش			
-۰/۰۰۶		سلامت جسمانی	
۰/۱۰۳		سلامت روان‌شناختی	
۰/۲۹۱***		روابط (حمایت) اجتماعی	
-۰/۰۷۳		سلامت محیطی	
۸/۲۵۶	۱۳/۳۲۳	Constant (ضریب ثابت)	
۰/۲۷۸	۰/۱۷۵	R^2	
۰/۲۳۲	۰/۱۴۳	R^2 تعدیل شده	
۶/۱۴۸***	۵/۴۴۸***	F	
۰/۰۸۹		ΔR^2 تعدیل شده	
۶/۲۶۰***		F برای ΔR^2 تعدیل شده	

نکته: * مقوله مبنا و مرجع است. ** < ۰/۰۰۱ ، *** < ۰/۰۰۵ ، N=۲۰۵

این مؤلفه‌ها با مقدار ($R^2 Adj = 0/232, \Delta R^2 Adj = 0/089$)، $P < 0/001$ ، $F(4,176)$ ، توانستند ۸/۹ درصد از تبیین واریانس متغیر ملاک را بهبود بخشند. از میان این مؤلفه‌ها، مؤلفه روابط اجتماعی با مقدار ($P < 0/001$ ، $\beta = 0/291$)، سهم معناداری در تبیین واریانس عملکرد تحصیلی داشت. در مجموع، مدل موفق شد ۲۳/۲ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین کند. نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه ($P < 0/001$)، $F(11,176)$ نیز نشان داد که مدل رگرسیون معنادار است.

جمع‌بندی نتایج

نتایج حاکی از آن است که ۲/۴ درصد از پاسخ‌گویان به طور کلی کیفیت زندگی خود را خیلی نامناسب، ۸/۸ درصد نامناسب، ۲۹/۳ درصد نه خوب و نه بد، ۴۳/۹ درصد خوب، و ۱۴/۶ درصد وضعیت کیفیت زندگی شان را در مجموع خیلی خوب توصیف می‌کنند. این یافته‌ها تلویحاً با یافته‌های پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۸۹) همسویی دارد. از سویی، ۲ درصد از پاسخ‌گویان از وضعیت سلامتی خود خیلی ناراضی و ۳/۹ درصد ناراضی‌اند، ۲۳/۴ درصد به طور نسبی رضایت دارند، ۶۶/۳ درصد راضی‌اند، و حدود یک چهارم از نسبت نمونه‌ای (۲۴/۴ درصد) نیز از وضعیت سلامتی‌شان کاملاً راضی هستند. بنابراین، با توجه به اینکه کیفیت زندگی و وضعیت سلامتی دانشجویان مورد مطالعه نسبتاً خوب است، ولی توجه به کیفیت زندگی دانشجویان ضرورت و اهمیت بیشتری را می‌طلبد و لزوم برنامه‌ریزی هرچه بهتر مسئولان دانشگاه به منظور ارتقای سطح کیفیت زندگی و سلامتی این قشر آینده‌ساز بیش از پیش احساس می‌گردد؛ چراکه کاهش میزان بهره‌مندی از کیفیت زندگی در طول دوران تحصیل، هشداری به مسئولین امور آموزشی و رفاهی دانشجویان است؛ به نحوی که نارضایتی دانشجویان از وضعیت زندگی و سلامتی خود ممکن است سبب کاهش کیفیت کاری آنان شود.

همچنین، در بین ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی، بیشترین میانگین نمونه‌ای، مربوط به بُعد سلامت جسمانی ($M=3/56$) و کمترین امتیاز مربوط به بُعد سلامت محیطی است ($M=3/10$). این یافته با نتایج پژوهش مکوندی و زمانی (۱۳۹۰) همسویی دارد.

بین سن و عملکرد تحصیلی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد ($p=0/000$). چنین نتیجه‌ای به معنای آن است که می‌توان با حداقل ۹۵٪ اطمینان داشت که رابطه مشاهده‌شده بین دو متغیر سن و عملکرد تحصیلی در جامعه آماری دارای رابطه مثبتی با یکدیگر هستند؛ به نحوی که هرچه بر سن افراد افزوده شود، احتمال بیشتری دارد که عملکرد تحصیلی آنها افزایش یابد. این یافته با نتایج پژوهش زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۱)، حجازی (۱۳۸۳) همسویی دارد.

بین میانگین عملکرد تحصیلی زنان و مردان تفاوت معنادار وجود ندارد. به عبارتی، هرچند میانگین عملکرد تحصیلی در بین زنان بالاتر از مردان است، این تفاوت به لحاظ آماری و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست ($p>0/05$). این یافته با نتایج پژوهش مسعودی و محمدی (۱۳۸۵) همسویی دارد.

از نظر آنها زندگی خوابگاهی بیشترین اثر مثبت را بر دانشجویان دختر نشان داد. به‌ویژه دانشجویان دختری که در خوابگاه زندگی می‌کردند تعهد حرفه‌ای بالاتر و عملکرد تحصیلی بهتری را در مقایسه با دانشجویان دختر و پسر غیرخوابگاهی از خود نشان دادند. از سویی، یافته‌های پژوهش زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۱) همخوان نیست. این محقق معتقد است جنسیت، یک متغیر مرتبط با افت تحصیلی است. به نظر می‌رسد که مردان نسبت به زنان به نسبت بالاتری تحصیلات دبیرستان (دانشگاه) را به انجام می‌رسانند. نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که از نظر آنهایی که افت دارند، نسبت بیشتری در زنان تمایل به انصراف داوطلبانه دارند تا اخراج از تحصیل. ثابت شده که در بسیاری از دانشجویان عملکرد کلاسی مهمترین عامل پیش‌بینی ماندن در دانشگاه است.

بین میانگین عملکرد تحصیلی افراد از لحاظ دوره تحصیلی (شبهانه/روزانه) مشاهده نگردید ($p > 0/05$). این یافته‌ها به طور تلویحی با نتایج پژوهش زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۱) همسویی دارد. چنین به نظر می‌رسد که توانایی بازپرداخت هزینه‌های آموزشی دانشگاه (مانند شهریه ثابت و شهریه انتخاب واحد و ...) از عوامل تأثیرگذار بر ادامه تحصیل یا انصراف دانشجویان دوره شبهانه باشد؛ چراکه از نظر پژوهش زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۱) کسانی که توانایی پرداخت هزینه‌های دانشگاه را داشته باشند و مجبور به ترک تحصیل نباشند، به تحصیل خود ادامه خواهند داد و از این رو، با دانشجویان روزانه، از نظر عملکرد تحصیلی تفاوتی ندارند.

نتایج حاکی از آن است که بین سن و کیفیت زندگی (و حیطه‌های آن) رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ به نحوی که هرچه سن بالاتر رود، کیفیت زندگی شخص در حیطه‌های مختلف افزایش می‌یابد. بیشترین رابطه همبستگی بین سن و ابعاد کیفیت زندگی مربوط به بعد سلامت روان‌شناختی با مقدار ($r = 0/867$) است. این یافته با نتایج پژوهش شفيعی و همکاران (۱۳۸۵) همسویی دارد و بر خلاف نتایج پژوهش کیانی و همکاران (۱۳۸۸) است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه بین کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد، حاکی از آن است که ضمن کنترل اثر متغیرهای دموگرافیکی، رابطه مستقیم و معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ بین کیفیت زندگی و نیز ابعاد آن و عملکرد تحصیلی وجود دارد؛ به این معنا که هرچه بر میزان زندگی دانشجویان خوابگاهی در کلیه حیطه‌های آن و در مجموع افزوده شود، طبعاً میزان رضایت از زندگی دانشجویی خوابگاهی در میان آنان بالاتر رفته بهبود عملکرد تحصیلی به بار خواهد آمد. در این میان، بیشترین ضریب همبستگی بین کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی، به بُعد روابط اجتماعی و عملکرد تحصیلی با مقدار ($r = 0/288$) اختصاص دارد؛

به این معنا که هرچه بر میزان روابط اجتماعی به طور خاص و سرمایه اجتماعی دانشجویان خوابگاهی به طور عام افزوده شود، میزان عملکرد تحصیلی آنان بالا خواهد رفت. این یافته با نتایج پژوهش تورس و سلبرگ (۲۰۰۱) و نیز نتایج پژوهش جمالی و همکاران (۱۳۹۲)، و پژوهش یگانه و دیگران (۱۳۹۱) همسویی دارد.

نتایج آزمون سلسله‌مراتبی چندگانه نشان داد که متغیرهای دموگرافیکی در مرحله اول توانستند ۱۴/۳ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین کنند. در این میان، متغیر سن با مقدار ($P < ۰/۰۰۱$, $\beta = ۰/۳۱۲$)، سهم معناداری در تبیین واریانس عملکرد تحصیلی داشت، و در مرحله دوم متغیرهای پژوهش تحقیق یعنی ابعاد کیفیت زندگی توانستند ۸/۹ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین کنند. از میان این مؤلفه‌ها، مؤلفه روابط اجتماعی با مقدار ($P < ۰/۰۰۱$, $\beta = ۰/۲۹۱$)، سهم معناداری در تبیین واریانس عملکرد تحصیلی داشت. در مجموع مدل موفق شد ۲۳/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (عملکرد تحصیلی) را توضیح دهد. با وجود این، متغیرهای دموگرافیکی سهم بیشتری در تبیین متغیر عملکرد تحصیلی داشتند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، یکی از عوامل مهم که می‌تواند پیشرفت تحصیلی و نیز عملکرد تحصیلی دانشجویان خوابگاهی را تحت تأثیر قرار دهد، برخورداری دانشجویان از روابط اجتماعی و نیز حمایت‌های دوستان و اطرافیان خود است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برخورداری از حمایت اجتماعی دوستان و اطرافیان و نیز برقراری روابط اجتماعی با آنها، ضمن فراهم کردن منابع مهم اطمینان، مواجهه دانشجویان را با فعالیت‌های دشوارتر آسان‌تر می‌کند؛ ضمن اینکه خود منبع یک سرمایه اجتماعی غنی برای فرد محسوب می‌شود؛ به طوری که دانشجویان دارای حمایت دوستان و اطرافیان و نیز دایره

روابط اجتماعی گسترده، با استادان و سایر دانشجویان در زندگی خوابگاهی خودشان ارتباط بیشتر و بهتری برقرار می‌کنند و باور به این توانایی، اهداف تحصیلی را ارتقا می‌بخشد و موجب موفقیت و عملکرد تحصیلی بهتر در تحصیل و کار می‌شود (تورس و سلبرگ، ۲۰۰۱ نقل از جمالی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶). از این جهت، به منظور ارتقای سطح کیفیت زندگی و به‌ویژه حیطه روابط اجتماعی در میان دانشجویان ساکن خوابگاه پیشنهادهای زیر توصیه می‌شود:

استادان مشاور و برنامه‌ریزان آموزشی دانشگاه، به همکاری مراکز مشاوره، برگزاری کلاس‌های فن ارتباطی، در سطح خوابگاه و ایجاد فرصت‌هایی جهت ابراز توانایی دانشجویان اقدام کنند تا دانشجویان به طور عملی توانمند شوند و سطح روابط اجتماعی خود را با دیگران گسترش دهند، و بدین وسیله شرایط لازم را جهت پیشرفت تحصیلی و عملکرد تحصیلی بهتر در بین این قشر دانشجو فراهم آورند.

قابل ذکر است که هر چند عوامل مورد بررسی در نمونه مورد مطالعه توانسته‌اند درصدی از عملکرد تحصیلی آنها را تبیین کنند، همچنان درصد زیادی از واریانس متغیر وابسته در نمونه مورد مطالعه تبیین نشده است. لذا لازم است در پژوهش‌های بعدی روی متغیرهایی غیر از متغیرهای مورد مطالعه توجه بیشتری معطوف گردد. آنچه در این پژوهش بیش از همه جلب توجه نموده است میزان اثرگذاری متغیرهایی است که جزء متغیر اصلی نبوده‌اند، اما تأثیرشان قوی‌تر از متغیر کیفیت زندگی بر متغیر وابسته بود. این امر با مراجعه به تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی این پژوهش به‌خوبی آشکار می‌گردد. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که سهم سایر متغیرها در عملکرد تحصیلی بالاتر بوده است، لذا می‌توان در پژوهش‌های بعدی با تمرکز روی سایر متغیرهای اثرگذار و شناخت میزان تأثیرگذاری آنها، به بهبود هرچه بیشتر عملکرد تحصیلی در میان دانشجویان کمک کرد.

منابع

۱. بهمنی، بهمن؛ تمدنی، مجتبی و مجید عسکری (۱۳۸۳). «بررسی کیفیت زندگی و رابطه آن با نگرش دینی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران»، طب و تزکیه، شماره پنجاه و سوم، ۳۲-۵۵.
۲. جمالی، مکيه؛ نوروزی، آریتا و رحیم طهماسبی (۱۳۹۲). «کاربرد سازه‌های تئوری شناخت اجتماعی در پیشگویی پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۹۲-۱۳۹۱»، گام‌های توسعه در آموزش پزشکی مجله مطالعات و توسعه آموزش پزشکی. دوره یازدهم، شماره اول، ۳۵-۴۴.
۳. حجازی، یوسف (۱۳۸۳). «نقش عوامل اقتصادی- اجتماعی در موفقیت تحصیلی و عملکرد شغلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره بیست و سوم، ۲۷-۴۲.
۴. رضایی، سجاد؛ کجاف، محمداقبر؛ موسوی، سیدولی‌اله و سیدحشمت‌اله موسوی (۱۳۹۱). «الگوی پیش‌بینی عملکرد تحصیلی بر اساس ابعاد مختلف کیفیت زندگی، استفاده از اینترنت و نگرش به اعتیاد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره دوازدهم، ۷۳۱-۷۴۲.
۵. زارع شاه‌آبادی، اکبر (۱۳۸۱). «بررسی عوامل آموزشی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه یزد در سال‌های ۷۷-۱۳۶۷»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه‌نامه علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۶۴-۹۱.
۶. زارع، بیژن، و فرزانه شفیعی (۱۳۹۰). «بررسی نقش سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی خانواده و نوع مدرسه در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی منطقه ۱۴ تهران»، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره یکم، ۳۷-۷۰.

۷. زائر، لیلا و محمد جواد قائد محمدی (۱۳۹۲). «مشکلات اجتماعی-تحصیلی دانشجویان دختر (۲۹-۱۸ ساله) ساکن خوابگاه دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۲، از دید خود دانشجویان»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال ششم، ۱۸۰-۲۰۸.
۸. کیانی، فاطمه؛ بلوچی، عباس؛ سرگلزایی، نرگس و ملک کیانی (۱۳۸۸). «بررسی مقایسه‌ای کیفیت زندگی دانشجویان گروه پزشکی و غیر پزشکی ساکن خوابگاه در شهر زاهدان»، ویژه‌نامه مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، سمینار کشوری کیفیت زندگی و ارتقاء سلامت، ۱۷ تا ۱۹ اسفند ماه ۱۳۸۹، چابهار، ۵.
۹. مسعودی، اکبر و مهدی محمدی (۱۳۸۵). «بررسی اثر محل سکونت و جنسیت بر ادراکات و عملکرد تحصیلی دانشجویان مهندسی و علوم پایه دانشگاه شیراز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و پنجم، شماره ۴ چهارم، ۱۸۶-۲۰۰.
۱۰. غفاری، مظفر و لطفعلی خانی (۱۳۹۲). «ارتباط سرمایه اجتماعی و هوش فرهنگی با عملکرد تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره سیزدهم، ۶۴۲-۶۵۱.
۱۱. مکوندی، سمیه و مریم زمانی (۱۳۹۰). «بررسی کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال ۱۳۸۹»، فصلنامه علمی-پژوهشی جنتاشاپیر، دوره دوم، شماره چهارم: ۱۹۱-۲۰۰.
۱۲. یگانه، طیبه؛ سلطانی شال، رضا؛ کافی، سیدموسی و عباسعلی حسین‌خانزاده (۱۳۹۱). «بررسی ارتباط بین هوش هیجانی، مدیریت زمان و کیفیت زندگی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان»، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره دوازدهم، شماره ۴ سوم، ۲۲۰-۲۳۳.

13. Bramness J. G., Fixdal T. C. & Vaglum P. (1991). "Effect of medical school stress on the mental health of medical student in early and late clinical curriculum", *Acta Psychiatrica Scandinavica*, Vol 84 (4): 340-5.
14. Development of the World Health Organization WHOQOL-BREF quality of life assessment. The WHOQOL Group. *Psycho Med.* 1998; 28(3):551-8.
15. Torres J. B., Solberg S. (2001). "Role of self-efficacy, stress, social integration, and family support in Latino college student persistence and health", *JVocat Behav*, 59 (1), 53-63.
16. Usefy A. R. & Ghassemi Gh. R. & Sarrafzadegan. N. & Mallik .S. & Baghaei. A. M. & Rabiei, K. (2009). "Psychometric Properties of the WHOQOL-BREF in an Iranian Adult sample", *Community Mental Health Journal*, Volume 46, Number 2, 139-147, DOI: 10.1007/s10597-009-9282-8.